



یادداشت

حداقل کاری که پزشک‌ها باید میکرد و نکرد استعفا بود!

صادق کار



در خبرها آمده بود "معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور با انتشار پیامی در حساب شخصی خود در شبکه ایکس از دستور رئیس‌جمهور پزشک‌ها برای انتشار اسامی تمامی جانباختگان و شهدای حوادث اخیر خبر داد"

دستور پزشک‌ها پس از بزرگترین جنایت در تاریخ حیات رژیم اسلامی در شرایطی که قتل عام بربرمنشانه هزاران شهروند ایران را در شوک و ماتم و عزا نشانده و خشم و نفرت انبوهی را در میان عموم مردم از این جنایت هولناک بوجود آورده، نه از درد و رنج مردم و خانواده‌ها و بستگان جان باختگان می‌کاهد و نه از سهم و مسئولیت پزشک‌ها به عنوان رئیس‌جمهور در این جنایت نزد مردم عزادار که در سوگ نشسته‌اند، کم می‌کند. حداقل کاری که پزشک‌ها بجای دستور تهیه لیست باید میکرد و نکرد استعفا بود

پزشک‌ها به عنوان رئیس قوه مجریه بجای اقدام برای جلوگیری از وقوع این جنایت علنا از آن حمایت کرده. او اکنون که با خشم و نفرت مردم از رژیم بواسطه کشتار و جنایات وحشتناک به وحشت افتاده است با فرار به جلو مذبوحانه تلاش می‌کند با اقدامات مسخره نقش خود در این جنایت را کتمان کند.

بله همه می‌دانند که فرمان جنایت از سوی رهبر همه کاره رژیم علی‌خامنه‌ای صادر شده است و او این جنایت را تأیید کرده است. همدستان او در این جنایت روسای دستگاه قضایی، دادستانها، عده‌ای از سرداران سپاه و روسای دستگاه‌های اطلاعاتی و بخش‌هایی از سرگردانان جریانات گرا بوده‌اند. درست است که رئیس‌جمهور هیچ‌کاره بواسطه هیچ‌کاره بودن اش می‌تواند ادعا کند که نقش اصلی را در رقم زدن فاجعه نداشته است، با این همه چه خواهد چه نخواهد بواسطه رئیس قوه مجریه بودن اش در این جنایت شریک جرم محسوب می‌شود و جز کسانی است که باید در دادگاه به همراه علی‌خامنه‌ای، اژه‌ای، قالیباف و دیگر عوامل و آمران اصلی بعنوان متهمان ردیف اول محاکمه و مجازات شود.

رئیس‌جمهور برگزیده علی‌خامنه‌ای در حالی دستور تهیه لیست جان باختگان را می‌دهد، که عده‌ای از زخمی‌ها پر شمار این جنایت، زنده بگور شده‌اند و بقیه آنها بخاطر نداشتن امنیت و ترس از دستگیری عملاً از حق درمان محروم و با خطر مرگ روبرو هستند، بیش از ۲۰ هزار بازداشت‌شدگان در وضعیتی بسر می‌برند که تنها با اردوگاه‌های رژیم نازی در جنگ دوم قابل قیاس است و ماشین سرکوب همچنان شب و روز مشغول دستگیری‌های دسته‌جمعی است و رئیس‌جمهور جنایتکار دستگاه قضایی فرمان پشت فرمان برای صدور اشد مجازات برای بازداشت‌شدگان صادر می‌کند. اما رئیس‌جمهور اصلاح طلب بجای متوقف کردن این جنایات و آزاد کردن زندان سیاسی و محاکمه عوامل جنایت از تهیه لیست قربانیان دم می‌زند.



پزشکیان می باید وقتی از نقشه سرکوب اطلاع پیدا می کرد با استعفا لاقل خرج خود را سوا می کرد، اما او حتی بعد از وقوع جنایت به جای استعفا آنرا تأیید کرد و کذب بودن ادعاهای خودش را برای مردم افشا کرد.

تهیه لیست جان باختگان آن هم توسط آمران جنایت به چه کار مردم می آید؟، لیستی که اگر تهیه هم شود همان روایت دروغ مقامات رسمی را قصد دارد به خورد مردم بدهد. مردم خواستار تأمین شرایط امن برای مداوای زخمی ها، آزادی زندانیان سیاسی، متوقف کردن بازداشت ها و سرکوبها و توقف مصادره اموال بازداشت شدگان، پایان دادن به آزار و اذیت و پیگرد و مجازات خانواده های جانباختگان و نهادهای مدنی، حق تشکل و اعتراض، قطع سانسور، توقف بی احترامی اوباشان حکومتی به آرامگاه های جان باختگان، قطع مزاحمت برای صاحبان کسب و کار و تأمین معاش و ایجاد ثبات اقتصادی، محاکمه آمران و عاملان جنایات و تشکیل کمیته حقیقت یاب توسط نهادهای مستقل حقوق بشری تحت مدیریت سازمان ملل هستند.

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارت تشکیل دهیم!

منشاء های تاریخی فقر در کشورهای در حال توسعه بخش پنجم

فصلی از کتاب راهنمای آکسفورد در باره فقر و جامعه

سامبیت بهاتچاریا



(در اثر مشهور خود درباره نهادها توضیح می دهد که رویدادهایی مانند Barrington Moore بارینگتون مور (انقلاب روسیه، جنگ داخلی آمریکا و بسیاری رویدادهای دیگر، بزنگاه های تاریخی سرنوشت سازی اند که نهادهای آینده و مسیر اقتصادی را شکل می دهند. این دیدگاه معمولاً با عنوان "فرضیه بزنگاه های بحرانی" (نیز در دو اثر در سالهای 1999 و 2000 در تبیین تاریخ و Kathleen Thelen شناخته می شود. کاتلین تین (نهادهای کار در آلمان، از "تزه های بزنگاه بحرانی" دفاع می کند. تین در کتاب *نهادگرایی تاریخی در سیاست تطبیقی* همچنین مروری بر ادبیات "بزنگاه بحرانی" در سیاست ارائه می دهد.

(Terence Hopkins)، ترنس هایپکینز (Giovanni Arrighi رشته دیگری از ادبیات نهادها از آثار جیووانی آریگی (الهام گرفته است. آریگی و همکاران در اثری با عنوان Immanuel Wallerstein و ایمانوئل والرشتاین ("جنبشهای ضدسیستمی" استدلال می کنند که جنبشها یا انقلابهای ضدسیستمی که از دل مبارزه طبقاتی در یک جامعه سرمایه داری برمی خیزند، می توانند گذرا باشند، زیرا نهادهای طبقاتی، آن گونه که



مارکسیستهای قدیمی توصیف می‌کردند، در وضعیتی دائماً سیال قرار دارند. به باور آنان در اقتصاد جهانی سرمایه داری، به سبب تغییرات سریع تکنولوژی و شیوه تولید، گروه‌ها و نهادها پیوسته بازآفریده می‌شوند، دگرگون می‌گردند و از میان می‌روند.

2.2 نهادهای تجارت برده و توسعه در آفریقا

ادبیات گسترده‌ای نیز وجود دارد که نهادهای تجارت برده را با تله فقر در آفریقا مرتبط می‌سازد. از مهمترین (اشاره کرد، اینیکوری در Miller) و میلر (Manning)، مانینگ (Inikori) محققان این حوزه می‌توان به اینیکوری (اثری در سال 1992 استدلال می‌کند که اکثریت عظیمی از کسانی که به بردگی گرفته و "صادر" می‌شدند، افراد آزادی بودند که به زور اسیر شده بودند. اسارت اشکال گوناگونی داشت، از جمله آدمربایی، یورشهای سازمانیافته توسط دولت، جنگ، گروگداری، از مجاری قضایی، خراج و غیره. به ویژه در دوره 1750 تا 1807، "سلاح گرم به ازای برده" روش مرسوم در مناسبات با اروپاییان بود که برای اسیر کردن بردگان به کار می‌رفت. اینیکوری در اثری دیگری، منتشره در سال 1992، همچنین نشان می‌دهد که گسترش تجارت برده آتلانتیک به افزایش اسیرگیری و گسترش تجارت برده در آفریقا انجامید. افزایش تجارت اسیران، راهزنی و فساد را برای بیش از 300 سال در این قاره نهادینه کرد و با تضعیف نهادها، توسعه اجتماعی اقتصادی را به تأخیر انداخت.

استدلال منینگ نیز مشابه اینیکوری است، با این تفاوت که کار او بر داهومی متمرکز است؛ منطقه‌ای که تقریباً با ناحیه خلیج بنین در دوره 1640 تا 1860 منطبق است. او مشاهده می‌کند که افزایش عظیم قیمت برده همراه با کاهش قیمتی 1.5 (نسبت قیمت به عرضه 1.5، وقتی افزایش 1 درصدی قیمت موجب افزایش 1.5 درصدی عرضه می‌شود)، انگیزه اسیر کردن بردگان بیشتر را ایجاد کرد. در این منطقه طی سالهای 1640 تا 1670، نهادهایی شکل گرفتند که عهده دار "سامان" جنگ، یورش، آدمربایی، رویه‌های قضایی و خراج بودند و برای اسیرگیری بردگان مساعد بودند. دولت به بازیگری فعال در گردآوری و تحویل بردگان تبدیل شد که خود شاهد دیگری در تأیید استدلال اینیکوری است. میلر نیز روایت مشابهی را در مورد آنگولا ارائه می‌دهد.

(با استفاده از مدل‌های آماری نشان می‌دهد که تجارت برده مانع توسعه دولت Nunn در سالهای اخیرتر، نان شده، به تکه تکه شدن قومی دامن زده و نهادهای حقوقی را تضعیف کرده است. تجارت برده از طریق این مجاری همچنان بر توسعه اقتصادی کنونی آفریقا اثر می‌گذارد. با این حال، بهاتچاریا نشان می‌دهد که شواهد تجربی او با وارد کردن متغیرهای دیگری همچون مالاریا و متغیرهای جغرافیایی، از استحکام کافی برخوردار نیستند.

از کارگران و مزد و حقوق بگیران و تهی‌دستان دعوت می‌کنیم از جنبش

سراسری نوین ایران حمایت و به آن پیوندند!

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!



تاوان جنگ و تحریم های اقتصادی را مردم می پردازند، ما مخالف جنگ و تحریم های اقتصادی فقرآور هستیم!

از ادعای رسمیت حق اعتراض تا سرکوب معترضان به اتهام اغتشاش و خشونت

صادق



در جریان جنبش انقلابی دیمه بارها از زبان مقامات ریز و درشت حکومتی شنیدیم که ادعا می کردند اعتراض را حق مردم می دانند و با اعتراض مخالف نیستند و با (اغتشاش) گویا مخالف هستند. اما در همان حال شاهد بودیم که چگونه اعتراض کنندگان را به اغتشاشگری متهم می کردند و آنان را سرکوب و دستگیر می کردند و به گلوله می بستند.

این ادعا فریبکارانه و خلاف واقعیت است. اعتراض نیاز به تشکل و نهاد سازمانگر دارد، وقتی که نهادهای سندیکایی و مدنی مدام تحت سرکوب قرار دارند و رهبران و اعضای آنها را مرتباً زندانی و اخراج می کنند و در لیست سیاه قرار می دهند تا امکان کار را بعد از زندان و اخراج از آنان بگیرند، چنین ادعایی ادعا دروغ محض و فرا افکنانه است.

اگر انبوهی از اعتراض و اعتصاب در جامعه وجود دارد، این به دلیل آزاد بودن حق اعتراض و ناشی از تمایل حکومت نیست، نتیجه فشارهایی است که طاق مردم را طاق کرده است. همین اعتراضات نیز به اشکال مختلف توسط حکومت در حدی که قادر است سرکوب می شوند و مطالبات شان بی پاسخ می ماند.

یکی از دلایل وجود فقر و فلاکت مردم خصوصاً کارگران و مزد و حقوق بگیران و بی نتیجه ماندن اعتراضات آنها نداشتن حق تشکل و حق اعتراض و اعتصاب است. در واقع اعتراض بدون وجود نهاد و سازمان هدایتگر و سازمانده حتی اگر منجر به نتایج بشوند، نتایج موقتی و قابل بازگشت هستند. این را ما به کرات در عمل تجربه کرده ایم. بنا بر این داشتن حق اعتراض با آزادی حق تشکل است که معنی پیدا می کند. وانگهی اگر حق اعتراض آزاد است چه دلیلی داشت که با شروع یک اعتصاب در بازار نیروی مسلح به مصادف آنان فرستادید و آنها را اغتشاشگر خواندید؟

درست به همین دلیل است که حکومت اساساً هر تلاشی از سوی هر گروه اجتماعی را که برای ایجاد تشکل برای دفاع از حقوق خود تشکل می دهد سرکوب می کند و مانع از ایجاد تشکل توسط گروه های



اجتماعی مختلف از کارگر و معلم و پرستار گرفته، تا نویسنده، روزنامه نگر، وکیل و کارمند و کاسب و بازاری می شود

استبداد وجود هر تشکل مستقلی را از سوی هر گروه اجتماعی که باشد، محل سیطره خود می داند و به بهانه های واهی جلوی تشکیل آن را می گیرد

هر تلاش برای تشکیل حزب سیاسی غیر حکومتی نیز با موانع بیشتری روبرو است و فعالیت احزاب غیر حکومتی که از پیش تشکیل شده اند سرکوب و ممنوع شده اند و رهبران و اعضای بسیاری از احزاب حتی به قتل رسیده اند و غلو نیست که بگوئیم رژیم اسلامی از نظر کشتار رهبران و فعالان سیاسی رکورد دار نیم قرن اخیر در جهان است

اینها همه با ادعای آزادی اعتراض در تضاد قرار دارند. یکی از مهمترین علل وقوع جنبش های براندازانه در ایران وجود رژیم دیکتاتوری است که کلیه حقوق شهروندی را از مردم سلب نموده و با سرکوب احزاب و نهادهای سندیکایی و مدنی و اعمال سانسور جلوی مبارزات مسالمت آمیز صنفی و سیاسی و حق اظهار نظر شهروندان را می گیرد

زمانی که حقوق شهروندی مردم با سرکوب و خشونت پاسخ داده می شود و زمانی که بحران های اقتصادی و سیاسی عرصه را بر مردم تنگ می کند، خشونت هم خواه ناخواه میدان عمل پیدا می کند. بنا بر این آنچه رهبران حکومت بنام "آغتشاش" از آن نام می برند و به خود حق می دهند هزاران نفر را به بهانه آن به خاک و خون بکشند، نتیجه عملکرد سیستم دیکتاتوری و بحران های ناشی از آن است

سر مردم برای توسل به خشونت درد نمی کند، بلکه خشونت بد است، رژیم هم سعی می کند با متهم کردن مردم به خشونت از آن بهره برداری نماید. وجود اندکی خشونت در جریان انقلابات از سوی برخی از شرکت کنندگان در مقابل خشونت عمال سرکوبگر حکومتی بعنوان عمل متقابل گاهی رخ می دهد که نه میشود آن را سرزنش کرد و نه مانع از آن شد. مسبب اصلی چنین خشونت هایی رژیم استبدادی و فاسد است. حتی اگر خشونتی از طرف معترضین رخ ندهد، باعث جلوگیری از اعمال خشونت پلیس نخواهد شد

در جنبش ۸۸ که ذره های خشونت در آن نبود، حتی راهپیمایی سکوت میلیونی مردم را که فقط خواستار اصلاحات بودند و نه از "آغتشاش" در آن اثری بود و نه ذره های خشونت و بهانه "حضور ماموران مسلح موساد" مطرح بود به خون کشیدند

البته انکار نمی شود کرد که ترامپ و رضا پهلوی و بلنگوهای تبلیغاتی آنان با ادعای حضور ماموران موساد که گویا برای کمک به معترضان در صحنه بودند و با دادن وعده کاذب، شما ادامه بدهید کمک ما بزودی از راه می رسد، به رژیم کمک کردند تا تظاهرات مردم را به بیگانه نسبت دهند و به این بهانه از کشته پشته ساختند. "اعتراض آزاد است، اما آغتشاشگر را سر جایش می نشانیم" در واقع اسم رمز خامنه ای برای انجام این جنایت تاریخی بود



انقلاب را اگر چه با خون ریزی مغول وار به دستور رهبر جلاد و خونخوار حکومت در آستانه پیروز موقتا از پیشروی بازداشتند، اما نتوانستند و نمی توانند از برآمد دوباره آن در ابعادی بزرگتر و توفنده تر ممانعت بوجود آورند.

کینه و نفرتی که رژیم با جنایات خود در این جنبش رقم زد، محال است بتواند جلوی انقلابی را که شروع شده است و همچنان در اشکال دیگر ادامه دارد سد کند. همچنان که سرکوب جنبش های پیشین نتوانست مانع از برآمد جنبش های بزرگتری شود.

این رژیم باید بوسیله یک انقلاب سرنگون شود و خواهد شد. هر چند که نمی شود جلوی فوران خشم همه ی مادران و پدران هزاران جانباخته را در فازهای بعدی انقلاب گرفت، و انقلاب خودش روشهای مبارزاتی اش را فارغ از نصایح کلیشه ای این و آن انتخاب خواهد کرد، غیر از اینکه آرزو کنیم مراحل پیشرفت انقلاب هر قدر که ممکن است کمتر همراه با خشونت باشد، کار دیگری از دست مان ساخته نیست.

نئولیبرالیسم در ایران

بهروز فدایی



بخش پنجم

بدیل راه رفته چیست

بدیل نئولیبرالیسم بر کدام پایه باید استوار باشد

به طور خلاصه، بدیل نئولیبرالیسم در شرایط ایران می تواند بر ترکیبی از این اصول استوار باشد

اقتصاد مختلط عدالت محور (نه بازار رها، نه دولت رانته)

تقدم بازتوزیع و امنیت اجتماعی بر انباشت سرمایه

کنترل اجتماعی بر منابع استراتژیک

دموکراتیزه کردن اقتصاد (مشارکت واقعی کارگران، تعاونی ها و جامعه مدنی)

توسعه درونزا و ضد رانته

با این پیش فرض، برویم سراغ مرحله بندی

دوره کوتاه مدت (۱ تا ۲ سال)



هدف اصلی: مهار فروپاشی اجتماعی و بازگرداندن حداقل امنیت معیشتی

مناسبات و سیاست‌های کلیدی

تعلیق سیاست‌های شوک درمانی

توقف آزادسازی قیمت‌های اساسی (انرژی، نان، دارو)

توقف خصوصی‌سازی‌های غیرشفاف

بازتعریف فوری نقش دولت به‌عنوان ضامن معیشت

تثبیت دستمزدها متناسب با تورم واقعی

اجرای حداقل درآمد تضمین‌شده برای دهک‌های پایین

برقراری یارانه‌های هدفمند کالاهای ضروری (نه یارانه نقدی تورمزا)

اصلاح فوری نظام مالیاتی 1.

مالیات تصاعدی بر ثروت، املاک بزرگ، سوداگری زمین و ارز

حذف معافیت‌های رانتهی نهادهای قدرتمند

کاهش فشار مالیاتی بر تولید کنندگان خرد

حمایت اضطراری از نیروی کار 2.

ممنوعیت اخراج‌های دسته جمعی

احیای بیمه بیکاری فراگیر

به‌رسمیت شناختن تشکلهای مستقل کارگری

«منطق این دوره: «نجات جامعه قبل از نجات بازار

دوره میان‌مدت (۳ تا ۵ سال)

هدف اصلی: تغییر ساختارهای مولد نابرابری و رانت

مناسبات و سیاست‌های کلیدی

بازسازی بخش عمومی، نه کوچک‌سازی آن 1.

دولت توسعه‌گرا به‌جای دولت حداقلی

تمرکز بر آموزش، سلامت، مسکن اجتماعی و حمل‌ونقل عمومی



توسعه اقتصاد تعاونی و اجتماعی 2.
اولویت اعتباری و مالیاتی برای تعاونی‌ها
مشارکت کارگران در مالکیت و مدیریت بنگاه‌ها
انتقال بخشی از بنگاه‌های ناکارآمد دولتی به تعاونی‌های واقعی (نه شبه‌خصوصی)

سیاست صنعتی عدالت‌محور 3.
حمایت هدفمند از صنایع اشتغال‌زا و دانش‌بنیان
جلوگیری از سلطه نفوذ سرمایه‌داری تجاری-رانتی در دولت
محدودسازی سوداگران مالی به نفع تولید

اصلاح نظام بانکی 4.
مهار خلق پول از طریق سفته بازی
هدایت اعتبار به تولید، مسکن اجتماعی و اشتغال
تبدیل بانک‌ها به نهادهای توسعه‌ای، نه ماشین سود منطق این دوره
دوره بلندمدت (۵ تا ۱۵ سال)

هدف اصلی: گذار به الگوی پایدار عدالت اجتماعی و دموکراسی اقتصادی
مناسبات و سیاست‌های کلیدی

دموکراتیزه کردن اقتصاد 1.
مشارکت سازمان‌یافته کارگران، مصرف‌کنندگان و جوامع محلی در تصمیم‌گیری اقتصادی
شوراهای اقتصادی منطقه‌ای و بخشی

کنترل اجتماعی بر منابع استراتژیک 2.
نفت، گاز، آب، معادن و انرژی‌های نو تحت مالکیت عمومی و شفاف
تخصیص درآمد منابع به رفاه، توسعه منطقه‌ای و نسل‌های آینده

گذار به اقتصاد سبز و پایدار 3.
کاهش وابستگی به نفت
سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر



عدالت محیط زیستی (نه فداکردن محیط زیست برای رشد)

4. نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی

آموزش و سلامت رایگان و باکیفیت

مسکن به‌عنوان حق اجتماعی، نه کالای سوداگری

کاهش ساختاری نابرابری، نه صرفاً مدیریت فقر

منطق این دوره: آزادی اقتصادی از مسیر برابری اجتماعی

جمع‌بندی

کوتاه‌مدت: مهار بحران و حفاظت از جامعه

میان‌مدت: اصلاح ساختارها و مناسبات رانتی

بلندمدت: دموکراسی اقتصادی و عدالت پایدار

با ائتلاف کدام نیروها این سه مرحله را باید طی کرد

دوره کوتاه‌مدت

ائتلاف بقا» برای مهار فروپاشی اجتماعی»

نیروهای اجتماعی حامل

طبقه کارگر رسمی و غیررسمی ۱.

کارگران صنعتی، خدماتی، پیمانی، پروژه‌ای و کارگران پلتفرمی

بیشترین ضربه‌خورده از تورم، خصوصی‌سازی و حذف یارانه‌ها

خواسته‌های فوری: دستمزد، امنیت شغلی، بیمه

۲. فرودستان شهری و حاشیه‌نشین‌ها

بیکاران، دستفروشان، زنان سرپرست خانوار، سالمندان بدون پوشش

حساس به قیمت نان، انرژی، مسکن و درمان

طبقه متوسط مزدبگیر در حال سقوط ۳.

معلمان، پرستاران، کارکنان دولت، کارمندان بخش خصوصی

تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های میانی ناراضی



بدنه کارشناسی دولت، سازمان برنامه، آموزش و سلامت
ناراضی از سیاست‌های رانتی و ناکارآمد
جمع‌بندی کوتاه‌مدت

این مرحله نه انقلابی است، نه اصلاح‌طلبانه کلاسیک؛
بلکه ائتلاف اضطراری برای زنده نگه‌داشتن جامعه است
دوره میان‌مدت

«ائتلاف بازسازی و عدالت ساختاری»

نیروهای اجتماعی حامل:

۱. کارگران متشکل و نیمه‌متشکل

سندیکاها، شوراهای کارخانه‌ها، تشکل‌های صنفی مستقل
عبور از مطالبات صرفاً مزدی به مطالبات ساختاری

۲. تعاونی‌ها و بخش مولد کوچک و متوسط

تولیدکنندگان غیررانتی، کشاورزان خرد، بنگاه‌های محلی
قربانی سلطه سرمایه تجاری-مالی

۳. طبقه متوسط جدید عدالت‌خواه

دانشگاہیان، معلمان، پرستاران، متخصصان جوان

فاصله‌گرفته از نئولیبرالیسم و خصوصی‌سازی افراطی

نقش: تولید گفتمان، برنامه و مشروعیت اجتماعی

۴. دولت توسعه‌گرا (نه دولت حداقلی)

تولیدکنندگان که منافع‌شان با تولید و ثبات اجتماعی گره خورده
تقابل با سرمایه رانتی و سوداگری

جمع‌بندی میان‌مدت

این مرحله بدون سازمان‌یابی اجتماعی شکست می‌خورد؛
عدالت دیگر فقط شعار نیست، وارد نهادها می‌شود

دوره بلندمدت



«ائتلاف دموکراسی اقتصادی و عدالت پایدار»

نیروهای اجتماعی حامل

طبقه کارگر آگاه و سازمان یافته ۱.

مشارکت در مدیریت، مالکیت و تصمیم سازی اقتصادی

نه صرفاً نیروی کار، بلکه کنشگر اقتصادی

جامعه مدنی نهادینه شده ۲.

اتحادیه ها، انجمن ها، شوراهای محلی و مصرف کنندگان

کنترل اجتماعی بر قدرت اقتصادی

دولت پاسخگو و دموکراتیک ۳.

برآمده از توازن قوای اجتماعی

شفاف، مالیات محور و غیررانتی

نسل های جدید (زنان و جوانان) ۴.

حامل ارزش های برابری خواه، محیط زیستی و ضد سلسله مراتب

پیوند عدالت اجتماعی با آزادی و پایداری

یک نکته خیلی مهم (واقع بینانه)

سرمایه داری رانتی-تجاری، دلالی مالی و ذی نفعان خصوصی سازی

در هیچ کدام از این مراحل نیروی حامل عدالت نیستند؛

یا باید مهار شوند یا به حاشیه رانده شوند

جمع بندی نهایی در یک جمله

کوتاه مدت: فرودستان + مزدبگیران = مهار فروپاشی

میان مدت: کارگران متشکل + بخش مولد = اصلاح ساختار

بلند مدت: جامعه مدنی + دموکراسی اقتصادی = عدالت پایدار

زنده باد همبستگی کارگران!

متحد و متشکل علیه سیاست های شوک درمانی و ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!



بحران معیشتی تشدید می شود

ع امید



تشکیل نشدن جلسه مزدی شورای عالی کار در دوشنبه گذشته بر نگرانی میلیونها کارگر و حقوق بگیر که گرانی و تورم روزافزون طاقت شان را بسر آورده و در انتظار افزایش دستمزدهایشان متناسب با تورم و هزینه های واقعی زندگی هستند افزوده است.

علت تشکیل نشدن جلسه شورای عالی کار برای بررسی حد و حدود دستمزد سال آینده، ظاهرا به دلیل حضور پیدا نکردن تعدادی از وزرا و مدیران دولتی بوده است. البته انتظار معجزه‌ای از شورای عالی کار نباید داشت، بخصوص که شرایط امسال از سالهای قبل بسیی بحرانی تر است و به رغم افزایش نجومی روز به روز قیمت کالاهای اساسی و سقوط ارزش ریال و دستمزدها میزان افزایش دستمزد اگر کمتر از سالهای پیشتر نباشد بیشتر نیست.

دولت و مجلس ظاهرا در مورد افزایش حقوق کارکنان دولت به توافق رسیده‌اند، اما مقدار افزایش حتی به نسبت نرخ تورم ۴۵ در صدی رسمی آنقدر ناچیز است که مورد اعتراض شدید کارکنان دولت واقع شده.

طبق تصمیم دولت و مجلس حقوق کارمندان شاغل و بازنشسته قرار است ۲۱ تا ۴۳ در صد به صورت پلکانی اسما افزایش داده شود. این مقدار کمتر از نیمی از نرخ تورم رسمی و معادل یک سوم تورم نقطه‌ای فعلی مواد غذایی است. به عبارتی قدرت خرید کارمندان به این ترتیب بجای افزایش دستکم ۲۵ درصد تقلیل پیدا می کند.

این مقدار آنقدر ناچیز است که حتی با مخالفت بازنشستگان لشگری که حقوق بگیر دولت هستند و به دلیل نظامی بودن کمتر در اعتراضات شرکت می کنند، باعث واکنش نماینده آنها شده است.

ایلنا به نقل از این نماینده صندوق بازنشستگی لشگری منتقد افزایش حقوق و پلکانی شدن آن نوشت:

وی با انتقاد از این شیوه پلکانی گفت: با کمی دقت و مقایسه به افزایش حقوق ۵ الی ۶ میلیون تومانی "بگیر با حقوق‌های حدود ۱۲ میلیونی و افزایش حدود ۲۲ میلیون تومانی افراد حداکثر بگیر با افراد حداقل حقوق‌های ۱۰۰ میلیونی با این فرمول پلکانی، به این نتیجه می رسیم که متأسفانه شعار عدالت با افزایش حقوق پلکانی معکوس که کارکنان و بازنشستگان با حقوق کمتر، درصد افزایش بیشتری دریافت می‌کنند، بسیار دور از واقعیت و طبق معمول کلاهی گشاد بر سر بازنشستگان شریف و مظلوم کشور است"

این گفته در مورد سایر کارکنان دولت نیز صدق می کند.

افزایش دستمزد کارگران البته حسب سالهای گذشته باید حول و حوش همین درصد باشد. وزیر کار روز گذشته در مصاحبه‌ای که داشت در مورد مقدار افزایش دستمزد کارگران سخنی نگفت اما از موافقت



نمایندگان کارفرمایان با افزایش حق مسکن کارگران خبر داد. گفتنی است که سال گذشته کمک مسکن کارگران به این بهانه که دولت می خواهد برای کارگران خانه بسازد افزایش داده نشد و در این مدت نیز کارگری صاحب خانه نشد. بنا بر این افزایش حق مسکن نیز از آنجا که سال گذشته اضافه نشده در واقع امتیازی محسوب نمی شود.

از همه ی اینها که بگذریم با نظر داشت شتابان همه روزه قیمت کالاهای اساسی و تورم که حذف یارانه اکثر آنها و سقوط ارزش ریال از عوامل آن است اگر به روال تا کنونی تداوم پیدا کند با این میزان افزایش حقوق ها قابل کنترل نیست و مقدار افزوده تا پیش از شروع سال آینده اثر خود را از دست خواهد داد.

متاسفانه چشم انداز وضعیت پیش رو نیز چنان تیره و تاریک می نماید که باعث نگرانی جدی است. این نگرانی وقتی بیشتر می شود که از یکسو شاهد افزایش تحریمها و از سوی دیگر ناتوانی حکومت سرکوبگر برای جلوگیری از افزایش تورم و سقوط ارزش پول ملی هستیم.

راه کارهای دولتی مانند حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت بنزین نیز روند افزایش تورم را تشدید کرده است. اختصاص کالا برگ نیز تاثیر چندانی روی تامین نیازهای اولیه خانواده ها و تثبیت قیمت کالاهای اساسی نداشته است.

حکومت اگر دوام بیاورد و سقوط نکند به نظر می رسد چاره ای غیر از بازگشت به کپنی کردن مواد غذایی نداشته باشد. بقول مردم افزایش صد درصدی حقوق ها هم دیگر کفاف هزینه های فزاینده زندگی را نمی دهد. حتی بیم آن می رود که کمبود مواد غذایی پیش بیاید. هم اکنون نیز برای کسانی که درآمد مکفی برای خرید خیلی از نیازهای خود و خانواده هایشان را ندارند، دوره قحطی فرا رسیده است. بله جناب شهردار تهران کالا هست، اما اکثریت مردم پول خرید آنها را ندارند. واقعا نهایت بی شرمی است که در چنین شرایطی حکومت یارانه کالاهای اساسی را قطع کند، ارز را تک نرخی کند، بنزین را گران کند، و ادعا کند با چنین اقداماتی می خواهد قیمتها را تثبیت کند و زمانی که قیمت همه ی کالاها پس از چنین اقداماتی سر به فلک کشیده است و مردم توان خرید تخم مرغ و لبنیات و روغن را هم ندارند، یز بدهند و ادعا کند که انبارها پر از کالا است، لابد برای خوراک موشها. با این وضعیت ذره ای نباید شک داشت که بحران معیشتی تشدید خواهد شد و این حکومت نه تنها توان جلوگیری از آن را ندارد، بل که با اقدامات نابردانه خود همچنان که تاکنون نشان داده این روند را تصریح خواهد کرد.

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!



چگونه می توان خودکامه نبود؟

رسول بدایق

مشکل انسان این است ، که خودش را نمی بیند، دیکتاتورها باورشان نمی شود ، دیکتاتور هستند ، بیشتر مردم جامعه ی ما نمی خواهند و نیاموخته اند، که خود را در آینه ی دیگران ببینند

آینه ها هم کم شمار هستند ، برخی آینه ها خودشان تار هستند ، زنگار بر آنها نشسته است. آینه ی زنگار زده چگونه می تواند ، چهره ی درستی ، مطابق با واقع از دیگران نشان بدهد ؟

پس چگونه می شود دیکتاتور نبود ؟

برای ساختن انسان توسعه یافته ، آموزش و تمرین نیاز است ، تمرین نیاز هست، آن هم در دوران کودکی

آنچه ما می بینیم و تمرین می کنیم، دیکتاتوری است ، از مذهب گرفته تا سنت ، تا حاکمیت ، تا پهنای جامعه ، همه آموزش و تمرین دیکتاتوری است

پس چگونه می توان خودکامه نبود؟

از ... سرکوبها، دیده نشدن آنها، نبود فرصت برای به نمایش گذاشتن توانایی های انسانها، ناکامی ها و انسانها موجوداتی عقده ای، انتقامجو و یکسونگر می سازد،

پس چگونه می توان خودکامه نبود؟

همه ی اسباب و علل برای خودکامگی فراهم است

پس چگونه می توان خودکامه نبود؟

انسان برای توسعه یافتگی ، دیگر دوستی ، دیگر خواهی ، تفکر انتقادی و انتقادپذیری ، نیاز به آموزش و تمرین دارد، آنهم در دوران کودکی

اینجاست که ، آموزش و پرورش و معلم اهمیت پیدا می کند ، آموزش و پرورش و معلم خود باید توسعه یافته و دیگر دوست و انتقادگر و انتقاد پذیر باشند، این ویژگی ها بدون داشتن حاکمیتی ، انتقاد پذیر ، توسعه یافته ، دگر دوست دست یافتنی نخواهد بود

پس ما نیازمند حاکمیتی انتقاد پذیر ، ناخودکامه ، توسعه یافته ، دگر دوست هستیم



بازگشت بازنشستگان به خیابان

بازنشستگان کارگری در اعتراض به بی‌توجهی به مطالبات خود در برخی شهرها از جمله شوش، رشت و تهران تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز، یکشنبه (۱۲ بهمن ماه)، بازنشستگان کارگری تأمین اجتماعی، در اعتراض به بی‌توجهی به مطالبات صنفی خود در برخی شهرها از جمله شوش، رشت و تهران تجمع کردند.

این بازنشستگان با انتقاد از وضع بد معیشتی خود می‌گویند: افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها، سطح نازل خدمات درمانی و رفاهی، مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی را با مشکلات بسیار مواجه کرده است.

برای نمونه، بازنشستگان شوش که بر اجرای ماده ۵۴، ساخت بیمارستان ملکی و ارتقای درمانگاه شوش تأکید دارند، می‌گویند: خواستار اجرای ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی، افزایش مستمری‌ها مطابق با نرخ واقعی سبد معیشت، درمان رایگان و حذف بیمه تکمیلی و همچنین پرداخت عیدی کارگری در آستانه سال جدید هستیم. در عین حال مخالفت خود را با افزایش پلکانی مستمری اعلام کرده و خواهان افزایش مستمری براساس هزینه‌های زندگی شدند.



بیانیه دو تشکل کارگران نفت در محکومیت کشتار معترضان توسط رژیم سرکوبگر

!با هیچ درجه از کشتار به عقب بر نمیگردیم. ما همه دادخواهیم

!عاملان و آمران قتل عزیزانمان باید محاکمه و مجازات شوند

ما کارگران نفت اعلام انزجار میکنیم از اینکه جانهای عزیز بسیاری براحتی توسط حاکمیت گرفته شد. ما اعلام کیفرخواست میکنیم علیه نیروهایی که امرشان کشتن فرزندان ما و بالا کشیدن دسترنج ماست

علیه حکومتی که ساختار آن از اساس مبتنی بر سود و چپاول یک طبقه حداقلی و استثمار و تحمیل بدترین شرایط زندگی بر سایر بخش‌های جامعه است

حکومتی که دست به قتل و عام عمومی میزند تا در قدرت باقی بماند و بقایش را بر روی دریایی از نفرت و خشم مردمش بنا نهاده دیگر امکان اداره جامعه را نخواهد داشت



کشور تا سالهای سال از آنچه در این روزها گذشت داغدار است. مردم تا سالهای سال باید در غم جگرگوشه‌هایی که پرپر شدند، در سوگ بنشینند

!ننگ و نفرت بر حاکمانی که به پیرو جوان و کودک رحم نکردند

ما کارگران و مردم با این همه کشت و کشتار و رگبار و گلوله مزدورانی که اغلب وارداتی و از مرزهای عراق و سوریه و لبنان بودند، به هیچ ترتیب به شرایط قبل باز نخواهیم گشت و به نظم دلخواه شما تمکین نخواهیم کرد. میان ما و شما قاتلان عزیزانمان اکنون یک دریای خون قرار گرفته است

ما مرعوب نمیشویم و ایستاده ایم. هیچ سازشی میان ما کارگران و مردم با شما نخواهد بود

ما کارگران خود را در کنار همه خانواده‌های عزیز از دست داده می‌دانیم. ما کارگران و ما مردم غمزده، فریاد خشم و اعتراض ما را در مراسم‌های گرامیداشت جانباختگان حق طلب و خشمگین و متحدیم. آزادیخواه میشنوید. این فریادها کیفرخواست متحدانه ما مردم علیه کشتاری است که به راه انداخته اید

شما قاتلان این را به خوبی میدانید که دست کشیدن از کار و بستن شیرهای نفت به روی شما به چه معناست!

پولهایی که این روزها بعنوان پاداش سرکوب و ریختن خون عزیزانمان به جیب عوامل امنیتی سرازیر گردید و همچنین پاداشهای کلان به عوامل بسیج ادارات، حراست حوزه‌های نفت و گاز، مدیران رده بالا و مدیران ناظر بر امور پیمانها، بعنوان عوامل زد و بند در پروژه‌های بهره‌برداری اختصاص داده شد، تماما آغشته به خون عزیزانی است که تنها برای حقوق اولیه و کرامت انسانی شان به خیابان آمدند و به فجیع‌ترین شکل ممکن کشته شدند

در پاسخ به اینگونه چپاولگریها و کشتار ما کارگران نفت دست در دست یکدیگر اعتصاب و اعتراض و تجمع میکنیم تا فریاد دادخواهی خود و تمامی مردم تحت ستم را به گوش جهان برسانیم. ما دادخواه خون تک تک جوانانمان هستیم که بسادگی با یک دستور از بالا با بیرحمی درو شدند. می‌ایستیم و حقوقمان را تا ذره آخر از حلقوم پیمانکاران و کارفرمایان بیرون می‌کشیم

آزادی فوری و بی قید و شرط همه دستگیر شدگان خواست فوری ما کارگران نفت است. ما خواهان این هستیم که اعدام و سرکوب و حکومت نظامی متوقف شود

ما به هر شکل ممکن برای عدالت و دادخواهی برای همه آن خانواده‌هایی که جان عزیزانشان گرفته شد تلاش میکنیم

قاتلان باید محاکمه شوند

نه در دادگاههایی که رهبرانمان برپا کرده اند، بلکه در دادگاههای مستقل و علنی و مردمی. به حاکمیت اعلام میکنیم که ما کارگران برای چنین لحظه‌ای تلاش میکنیم و کوتاه نمی‌آییم

ما همه دادخواهیم و عزیزانی را از دست داده ایم و در این شرایط تلخ و غیر قابل تحمل کنار هم هستیم. بدانید پیروزی از آن ما خواهد بود



شنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۴

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، _
(شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت) (ارکان ثالث) _



جنایت علیه معلمان و کودکان؛ معلمان زندانی آزاد باید گردند؛ سرکوب و کشتار کودکان متوقف باید گردد

بر اساس گزارش‌های منتشرشده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، در جریان خیزش دی‌ماه امسال موج تازه‌ای از بازداشت، احضار و اعمال فشارهای امنیتی علیه معلمان و فعالان صنفی در نقاط مختلف کشور به راه افتاده است. این اقدامات در ادامه‌ی سیاست سرکوب سازمان‌یافته‌ی حق تشکلیابی، آزادی بیان و فعالیت‌های صنفی معلمان صورت می‌گیرد و نشان‌دهنده‌ی تشدید فضای امنیتی علیه جامعه‌ی فرهنگیان است.

طبق این گزارش‌ها، رضا مسلمی، فعال صنفی معلمان در همدان در ۱۹ دی، عبدالله رضایی، فعال صنفی و عضو شورای هماهنگی در هرسین در ۱۸ دی، آرمان شاپوری، معلم در ایذه در ۹ دی، شروین حمیده، معلم در کرج (گوهردشت) در ۱۱ دی، جلیل شیردل، معلم بازنشسته در بابل در ۱۴ دی، اسماعیل خدایاری، معلم در قزوین در ۱۴ دی، کیومرث واعظی، معلم بازنشسته در سنقر در ۱۵ دی، محسن شعبانی، ۲۲ ساله، معلم فیزیک و عکاس در قزوین در ۱۹ دی، حسین رمضانپور، فعال صنفی معلمان استان خراسان شمالی در بجنورد در ۱۹ دی‌ماه، مهدی نظری، دبیر فیزیک در نورآباد دلفان و آرش نیکخو، معلم، فعال محیط‌زیست و بنیان‌گذار «یگان سیاوش» در دهدشت بازداشت یا احضار شده‌اند. همچنین گزارش‌هایی از بازداشت چند معلم دیگر و احضار کوکب بداغی به نهادهای امنیتی در روزهای اخیر دریافت شده است.

در کنار این بازداشت‌ها، جامعه‌ی فرهنگیان شاهد کشتار معلمان فداکار و شریف است. از جمله معلمان جان‌باخته در خیزش دی ماه می‌توان به کامران اکبری، معلم در اسلام‌آباد غرب؛ کرمعلی اعلاپی، معلم بازنشسته در خمینی‌شهر؛ رضا کریمی‌فر، معلم بازنشسته در چالوس؛ مصطفایی، معلم بازنشسته در سنقر و علیرضا (یاسین) انصاری‌فر، معلم در مارلیک اشاره کرد. این جان‌باختگان بر اثر خشونت و سرکوب غیرقانونی جان خود را از دست داده‌اند و مسئولیت مستقیم این قتل‌ها بر عهده‌ی حاکمیت است.

همچنین مسعود فرهیخته، معلم زندانی، از ۲۹ شهریورماه برای اجرای حکم سه سال و شش ماه و یک روز در زندان مرکزی کرج محبوس است و تاکنون در چند نوبت به سلول انفرادی منتقل شده است.

هم‌زمان، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تاکنون اسامی ده‌ها کودک و نوجوان جان‌باخته در جریان خیزش دی‌ماه را همراه با تصاویر منتشر کرده و خواستار پایان فوری خشونت، تضمین امنیت جانی کودکان و آزادی تمامی بازداشت‌شدگان شده است.



سندیکای کارگران شرکت واحد با محکومیت مجدد کشتار و بازداشت معلمان و فعالان صنفی و برخوردهای خشونت‌بار با کودکان و نوجوانان، تأکید می‌کند که معلمان زندانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و حق فعالیت صنفی، آموزشی و مدنی فرهنگیان به رسمیت شناخته شود. سرکوب، کشتار و تهدید امنیت کودکان نقض بی‌رحمانه و آشکار حقوق بنیادین انسانی است و مسئولیت جان و سلامت تمامی بازداشت‌شدگان، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، مستقیماً بر عهده‌ی حاکمیت است.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

چاره کارگران و زحمتکشان وحدت و تشکیلات است

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

بهمن ۱۴۰۴ ۹



بیانیه انجمن صنفی فرهنگیان هرسین در محکومیت کشتار و بازداشت مردم ایران

بیش از چهار دهه ما مردم رنج‌دیده‌ی ایران با ادبیاتی ساده و عامه‌فهم با صدائی رسا فریاد زدیم که زندگی مردم ایران بر مداری از فقر و تنگدستی و اهانت و تحقیر و زوال کرامت انسانی و ارزشهای اجتماعی چرخیده است! به خود بیایید و تا دیر نشده است، صدای مردم عاصی و به تنگ آمده و معترض را بشنوید، اما کوچکترین اهمیتی برای اعتراضات مردم و تجمعات بازنشستگان و گروههای معترض و خواسته‌های برحق آنها قائل نشدید، تا اساس زندگی مردم را به فجایع کشتار و سرکوب‌های خونین و متوالی سوق دادید.

زمانیکه جواب حکومت در قبال فقر و گرسنگی و بیکاری و تورم افسار گسیخته و نبود امکانات درمانی و بهداشتی و افول و اضمحلال زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم، تعرض و بازداشت و زندانی نمودن فعالین مدنی و اجتماعی در برنامه‌ی ضد مردمی خود جای داده است، راهی بجز کف خیابان و اعتراضی همه جانبه به این وضعیت اسفناک و ایجاد همبستگی و اتحاد جهت پایان دادن به این ظلم و بیداد و استبداد و خفقان هر روزه نخواهد ماند.

حضور اعتراضی و مسالمت‌آمیز مردم در دیماه ۴۰۴ برای خواسته‌های عادی و معمولی انسان امروز در بهت همگانی به خاک و خون کشیده شد و خانواده‌های بسیاری از جمله سراسر ایران را داغدار نمود. داغی که در قلب و بندبند استخوانهایمان به نفرتی عمیق مبدل گشته است، تا در کنار جنازه‌ی عزیزانمان به رقص و پایکوبی بپردازیم. کشتار خونین مردم ایران با این گستردگی و جنایت از خاطر و حافظه‌ی هیچ انسانی در دنیا پاک نخواهد شد.



ما اعضای انجمن صنفی فرهنگیان هرسین ضمن تسلیت به مردم ایران، کشتار بیرحمانه ی مردم را محکوم می کنیم و خواهان پایان دادن به خونریزی و بازداشت معترضین و آزادی زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان هستیم [رضا مسلمی](#) و [عبداله رضائی](#) #اخیر منجمله آقایان

انجمن صنفی فرهنگیان هرسین

تاریخ ۱۱/۱۱/۱۴۰۴



تورم ۱۲۰ درصدی خوراکی ها در ماه های آینده / «اغتشاش» کلیدواژه سلب حق اعتراض کارگران

تا آخر سال به راحتی تورم بالای ۱۲۰ درصد خوراکی ها را خواهیم داشت و سبب معیشت تصنعی «شورایعالی کار که اسفند سال قبل ۲۴ میلیون محاسبه شده بود، در ایده آل ترین شرایط نزدیک ۶۰ میلیون ...» تومان خواهد بود؛ نرخ سبب واقعی بسیار بالاتر از اینهاست، بسیار بسیار بالاتر

به گزارش خبرنگار ایلنا، تقلیل دادن اعتراضات جمعی مردم و طبقات مزدبگیر به مسائل و مشکلات معیشتی صرف، از جنبه های مختلف ساده انگاری ماجراست. مردم و به طور مشخص کارگران و فرودستان بیش از هر چیز دیگر به نداشتن حق تعیین سرنوشت و نادیده گرفته شدن در مناسبات کلان اجتماعی و سیاسی معترض اند.

مردم «کنار گذاشته شده اند؛ اگر تشکل ها، سندیکاها و نهادهای برآمده از بطن مردم به راستی در «تصمیمات فرادستی مشارکت داده می شدند و می توانستند در تصمیم سازی ها دخیل باشند، «معیشت» نیز تا این اندازه بحرانی نمی شد؛ امروز حقوق ۱۵ میلیون تومانی یک کارگر بازنشسته بعد از سال ها جان کندن بی وقفه در راه این آب و خاک، پول ۷ کیلو گوشت قرمز است...»



گوترش: سال ۲۰۲۶ از هم اکنون سالی آکنده از آشوب و شگفتی های پی در پی است

آنتونیو گوترش «دبیرکل سازمان ملل گفت: هنوز در روزهای نخستین سال میلادی هستیم اما ۲۰۲۶ از «همین حالا به سالی آکنده از آشوب و شگفتی های پی در پی تبدیل شده است



او افزود: ما شاید شاهد بزرگ‌ترین انتقال قدرت عصر خود هستیم نه از دولت‌ها به مردم، بلکه از دولت‌ها به شرکت‌های خصوصی فناوری. وقتی فناوری‌هایی که رفتار، انتخابات، بازارها و حتی منازعات را شکل می‌دهند بدون چارچوب و مهار عمل می‌کنند، واکنش حاصل نوآوری نیست، بلکه بی‌ثباتی است. گوترش درباره وضعیت اقلیمی جهان نیز گفت: ما به این واقعیت اذعان داریم که عبور دمای جهانی از آستانه ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد اکنون مستلزم «افزایش سطح بلندپروازی» است؛ از جمله کاهش عمیق انتشار گازهای گلخانه‌ای در این دهه و گذار عادلانه، منظم و منصفانه از سوخت‌های فسیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر.

اخبار روز

ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت می‌کنیم!

همه با هم از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق متناسب با هزینه‌های واقعی زندگی حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>